

## گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی\*

ایران کلباسی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

### مقدمه

درباره وجود شناسه سوم‌شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی و استفاده از صفت مفعولی به جای ستاک گذشته در بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، نگارنده دو مقاله با عنوان‌های «شناسه سوم‌شخص مفرد در مصادر فارسی» و «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو» به رشته تحریر درآورده است که اولی در مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۵)، چاپ شده و دومی در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۷۶) منتشر شده است.

در مقاله اول به این نتیجه رسیده‌ام که چون گونه‌ای از شناسه سوم‌شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی وجود دارد شناسه سوم‌شخص مفرد در زمان گذشته ساده کلیه افعال ایرانی صفر (∅) است، مانند raft-∅ («رفت» در فارسی معیار) و در مقاله دوم این نتیجه برایم حاصل شد که آن دسته از گویش‌های ایرانی که سوم‌شخص مفرد زمان گذشته ساده را با شناسه صفر به کار نمی‌برند، در حقیقت، به جای ستاک گذشته از صفت مفعولی استفاده می‌کنند، مانند buxurd-e («خورد» در گیلکی رشت).

در ارتباط با موضوع مقاله دوم باید گفت که غالب نوشته‌هایی که تا کنون درباره ساخت فعل در گویش‌های کرانه دریای خزر به رشته تحریر درآمده حاکی از آن است که

\* این مقاله در نخستین همایش ملی ایران‌شناسی که در خرداد ۱۳۸۱ به همت بنیاد ایران‌شناسی برگزار گردید به صورت سخنرانی ارائه شده است.

در بعضی از این گویش‌ها گذشته نقلی وجود ندارد و گویشوران آنها برای بیان گذشته نقلی از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

نگارنده در مقاله حاضر با دسته‌بندی انواع ساخت‌های زمان گذشته ساده و گذشته نقلی در ۱۶۰ لهجه و گویش ایرانی در صدد دست یافتن به این نتیجه است که گویش‌های مورد اشاره برعکس آنچه تصور شده است، در حقیقت، برای بیان گذشته ساده از گذشته نقلی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، این گونه گویش‌ها گذشته نقلی دارند ولی گذشته ساده ندارند.

در زیر در ابتدا ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در فارسی میانه، به اختصار، بیان می‌کنیم، سپس انواع ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی ارائه می‌دهیم و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

### ۱. ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی در فارسی میانه

در فارسی میانه، زمان گذشته ساده، در افعال لازم، با کمک فعل h- (بودن) ساخته می‌شده و در افعال متعدی ساخت ارگتیو<sup>۲</sup> به کار می‌رفته است:

raft	hēm	رفتم
raft	hē	رفتی
raft	ø	رفت
raft	hēm	رفتیم
raft	hēd	رفتید
raft	hēnd	رفتند

(۱) لهجه‌ها و گویش‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: اسیانه‌ای، افتری، بافتی، بندرعباسی، بلوچی لاشار، تاتی تاکستان، تاتی ینگلی امام، تالشی طاسکوه ماسال، تالشی میرزانق اردبیل، تویسرکانی، جیرفتی، حاجی‌آبادی، خوانساری، دری زردشتی یزد، دلیجانی، دماوندی، زابلی، زرنندی، سبزواری، سمنانی، سیرجانی، شاهرودی، فارسی اصفهان، فارسی تهران، فارسی تاجیکی، فارسی معیار، قاپنی، کاخکی، کردی روستای حریر، کردی سنندج، کردی کرمانشاه، کردی کلیانی، کردی مهاباد، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان همدان، گویش کلیمیان بروجرد، گیلکی املش، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دشتک، گیلکی رشت، لاری، لاری خنج، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، مازندرانی آمل، مازندرانی تنکابن، مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی کلاردشت، نائینی، نجف‌آبادی، واران، ورامینی (گونه پیشوا) و همدانی.  
 (۲) برای آگاهی از ساخت ارگتیو ← کلباسی (۱۳۶۷) ص ۷۰-۸۷.

۱-۲	u-m	dīd	دیدم
	u-t	dīd	دیدیدی
	u-š	dīd	دیدید
	u-mân	dīd	دیدیم
	u-tân	dīd	دیدیدید
	u-šan	dīd	دیدند

گذشته نقلی افعال لازم در فارسی میانه<sup>۳</sup> با فعل کمکی *estâdan* (ایستادن) ساخته می‌شده و گذشته نقلی افعال متعدی نیز به کمک همین فعل و با ساخت ارگتیو بیان می‌شده است:

۱-۳	raft	estēm	رفته‌ام
	raft	estē(h)	رفته‌ای
	raft	estēd	رفته است
	raft	estēm	رفته‌ایم
	raft	estēd	رفته‌اید
	raft	estēnd	رفته‌اند

۱-۴	u-m	dīd	estēd	دیده‌ام
	u-t	dīd	estēd	دیده‌یدی
	u-š	dīd	estēd	دیده‌ید
	u-mân	dīd	estēd	دیده‌ایم
	u-tân	dīd	estēd	دیده‌اید
	u-šan	dīd	estēd	دیده‌اند

## ۲. انواع ساخت گذشته ساده در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز

ساخت گذشته ساده را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

- ۲-۱ شناسه + ستاک گذشته + پیشوند (۵ شخص)  
 ۰ + ستاک گذشته + پیشوند (سوم شخص مفرد)  
 این ساخت را در گویش‌های قاینی، تاتی ینگلی امام، سبزواری، شاهرودی، گیلکی

(۳) برای اطلاع از ساخت فعل در فارسی میانه ← آموزگار و تفضلی (۱۳۷۳) ص ۶۶-۶۸.

املش و دماوندی در افعال لازم و متعدی و در گویش‌های کلیمیان اصفهان و خوانساری  
 در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:

bo-fruxt-om	فروختم (قاینی)
bo-fruxt-ø	فروخت (قاینی)
bc-xerd-em	خوردم (تاتی ینگ‌ی امام)
bc-xerd-ø	خورد (تاتی ینگ‌ی امام)
bo-xârd-om	خوردم (سبزواری)
bo-xârd-ø	خورد (سبزواری)
bo-xord-om	خوردم (شاهرودی)
bo-xord-ø	خورد (شاهرودی)
bu-xond-əm	خواندم (گیلکی املش)
bu-xond-ø	خواند (گیلکی املش)
be-gartâ-un	گشتم (گویش کلیمیان اصفهان)
be-gartâ-ø	گشت (گویش کلیمیان اصفهان)
bc-resâ-n	رسیدم (خوانساری)
bc-resâ-ø	رسید (خوانساری)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۲

(سوم شخص مفرد) جنس مؤنث/ø + ستاک گذشته + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های دلجانی، ابیان‌های، تاتی تاکستان، سمنانی و واران‌ی در  
 افعال لازم می‌توان یافت:

ba-šd-on	رفتم (دلجانی)
ba-šd-ø	رفت [مذکر] (دلجانی)
ba-šd-a	رفت [مؤنث] (دلجانی)
ba-št-on	رفتم (ابیان‌های)
ba-št-ø	رفت [مذکر] (ابیان‌های)
ba-št-a	رفت [مؤنث] (ابیان‌های)
â-nišť-em	نشستم (تاتی تاکستان)
â-nišť-ø	نشست [مذکر] (تاتی تاکستان)
â-nišť-ε	نشست [مؤنث] (تاتی تاکستان)
bc-ši-yun	رفتم (سمنانی)
bc-šâ-ø	رفت [مذکر] (سمنانی)

be-ši-ya	رفت [مؤنث] (سمنانی)
hâ-xot-om	خوابیدم (وارانی)
hâ-xot-ø	خوابید [مذکر] (وارانی)
hâ-xot-a	خوابید [مؤنث] (وارانی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۳

(سوم شخص مفرد) ak/ø + ستاک گذشته + پیشوند

این مورد در گویش زابلی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

ba-froxt-o	فروختم
ba-froxt-ak/ø	فروخت

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۴

(سوم شخص مفرد) ak/ø + ستاک گذشته

این مورد در لهجه ورامینی (گونه پیشوا) دیده شده است و در افعال لازم و متعدی به

کار می‌رود:

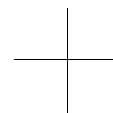
goft-om	گفتم
goft-ak/ø	گفت

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۵

(سوم شخص مفرد) ø + ستاک گذشته

این ساخت را در غالب لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی مانند فارسی اصفهان، بافتی، بلوچی لاشار، بندرعباسی، فارسی تاجیکی، توپسرکانی، فارسی تهران، جیرفتی، حاجی‌آبادی، لاری خنج، خوانساری، دری زردشتی، زرنندی، کردی کرمانشاه، کردی کلیائی، کردی سنندج، کردی مهاباد، لاری، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجد سلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، نائینی، نجف‌آبادی و همدانی می‌توان یافت که در بعضی تنها در افعال لازم به کار می‌رود و در بعضی دیگر هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد. در اینجا تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

nešt-om	نشستم (بندرعباسی)
nešt-ø	نشست (بندرعباسی)
nešt-om	نشستم (جیرفتی)



nešt-ø نشست (جیرفتی)  
 (۵ شخص) گونه‌ای از «است» a + شناسه + ستاک گذشته ۲-۶  
 (سوم شخص مفرد) ø + a + ستاک گذشته

این مورد در گویش تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

šī-m-a رفتم  
 šī-ø-a → ša رفت  
 (۶ شخص) گونه‌ای از «است» a + ضمیر + ستاک گذشته ۲-۷  
 در گویش مذکور، این مورد در افعال متعدی دیده شده است:

vind-əm-a دیدم  
 vind-əš-a دید  
 (۶ شخص) ضمیر + ستاک گذشته ۲-۸

این ساخت در گویش‌های جیرفتی، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهان، کردی روستای حریر، کردی مهاباد، کردی سنندج و بلوچی لاشار دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

xoward-om خوردم (جیرفتی)  
 xoward-i خورد (جیرفتی)  
 howârd-əm خوردم (لکی دره‌شهر)  
 howârd-i خورد (لکی دره‌شهر)  
 wârd-em خوردم (لکی کاکاوندی قزوین)  
 wârd-e خورد (لکی کاکاوندی قزوین)  
 dit-am دیدم (لری بهبهان)  
 dit-ay دید (لری بهبهان)  
 xwârd-em خوردم (کردی روستای حریر)  
 xwârd-i خورد (کردی روستای حریر)  
 hēnâ-m آوردم (کردی مهاباد)  
 hēnâ-y آورد (کردی مهاباد)  
 xwârd-em خوردم (کردی سنندج)  
 xwârd-i خورد (کردی سنندج)  
 wart-om خوردم (بلوچی لاشار)  
 wart-i خورد (بلوچی لاشار)

ستاک گذشته + ضمیر ۲-۹ (۶ شخص)

این مورد در گویش‌های لاری، لاری خنج، بندرعباسی، حاجی‌آبادی، نائینی و دری زردشتی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

om-sáxt	ساختم (لاری)
oš-sáxt	ساخت (لاری)
om-di	دیدم (لاری خنج)
oš-di	دید (لاری خنج)
om-go	گفتم (بندرعباسی)
i-go	گفت (بندرعباسی)
om-puš i	پوشیدم (حاجی‌آبادی)
eš-puš i	پوشید (حاجی‌آبادی)
mu-wat	گفتم (نائینی)
šu-wat	گفت (نائینی)
om-xa	خوردم (دری زردشتی)
oš-xa	خورد (دری زردشتی)

ستاک گذشته + ضمیر + پیشوند ۲-۱۰ (۶ شخص)

این مورد در گویش ایبانه‌ای، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان، خوانساری، واراننی و دلیجانی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

ba-m-vot	گفتم (ایبانه‌ای)
ba-y-vot	گفت (ایبانه‌ای)
be-m-puš d	پوشیدم (گویش کلیمیان اصفهان)
be-š-puš d	پوشید (گویش کلیمیان اصفهان)
be-m-ferá t	فروختم (گویش کلیمیان بروجرد)
be-š-ferá t	فروخت (گویش کلیمیان بروجرد)
be-m-xort	خوردم (گویش کلیمیان همدان)
be-š-xort	خورد (گویش کلیمیان همدان)
be-m-bert	بردم (خوانساری)
be-ž-bert	برد (خوانساری)
be-m-did	دیدم (واراننی)
be-š-did	دید (واراننی)
hâ-m-dâ	دادم (دلیجانی)

hâ-š-dâ	داد (دلیجانی)
۲-۱۱	(۶ شخص)
ضمیر + ستاک گذشته + پیشوند	
این ساخت در گویش‌های افتری، تاتی تاکستان و سمنانی برای افعال متعدی به کار می‌رود و در گویش کاخکی هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد:	
be-vât-om	گفتم (افتری)
be-vât-oš	گفت (افتری)
be-kerd-em	کاشتم (تاتی تاکستان)
be-kerd-eš	کاشت (تاتی تاکستان)
bu-kkuvât-an	زدم (سمنانی)
bu-kkuvât-eš	زد (سمنانی)
be-raft-om	رفتم (کاخکی)
be-raft-eš	رفت (کاخکی)
bi-yavord-om	آوردم (کاخکی)
bi-yavord-eš	آورد (کاخکی)

### ۳. انواع ساخت گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز

ساخت گذشته نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

۳-۱	(۵ شخص)
شناسه + صفت مفعولی + پیشوند	
Ø + صفت مفعولی + پیشوند	(سوم شخص مفرد)
این ساخت را در گویش‌های سبزواری و دماوندی در افعال لازم و متعدی و در گویش کلیمیان اصفهان و خوانساری در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:	
bo-xârda-yom	خورده‌ام (سبزواری)
bo-xârda-ø	خورده است (سبزواری)
ba-duxte-m	دوخته‌ام (دماوندی)
ba-duxte-ø	دوخته است (دماوندی)
be-garta-un	گشته‌ام (گویش کلیمیان اصفهان)
be-garta-ø	گشته است (گویش کلیمیان اصفهان)
be-broftcy-â n	گریه کرده‌ام (خوانساری)
be-broftcy-ø	گریه کرده است (خوانساری)



(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۳-۲

(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های شاهرودی و گیلکی املش در افعال لازم و متعدی و در گویش دری زردشتی و نائینی در افعال لازم می‌توان دید:

bo-xord-om خورده‌ام (شاهرودی)

bo-xorde- $\emptyset$  خورده است (شاهرودی)

bu-xond-am خوانده‌ام (گیلکی املش)

bu-xonde- $\emptyset$  خوانده است (گیلکی املش)

i-našt-e نشست‌ام (دری زردشتی)

i-našta- $\emptyset$  نشست است (دری زردشتی)

hε-nigišt-i نشست‌ام (نائینی)

hε-nigište- $\emptyset$  نشست است (نائینی)

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی مرخم + پیشوند ۳-۳

(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی + پیشوند

این مورد را در سمنانی می‌توان دید که مخصوص افعال لازم است:

be-šič-un رفته‌ام

be-šiči- $\emptyset$  رفته است

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی + پیشوند ۳-۴

(سوم شخص مفرد) «گونه‌هایی از «است»» e/a + صفت مفعولی + پیشوند

این مورد را در گویش‌های قاینی و تاتی ینگلی امام در افعال لازم و متعدی می‌توان دید:

bo-xârde-yom خورده‌ام (قاینی)

bo-xârde-ye خورده است (قاینی)

be-xerdi-yam خورده‌ام (تاتی ینگلی امام)

be-xerdi-ya خورده است (تاتی ینگلی امام)

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی + پیشوند ۳-۵

(سوم شخص مفرد) جنس مؤنث /  $\emptyset$  + صفت مفعولی + پیشوند

این ساخت در گویش‌های ابیانه‌ای، تاتی تاکستان و وارانلی در افعال لازم دیده شده است:

ba-štâ-ʔon	رفته‌ام (ایبانه‌ای)
ba-štâ-ø	رفته است [مذکر] (ایبانه‌ای)
ba-štâ-ʔa	رفته است [مؤنث] (ایبانه‌ای)
â-nište-ym	نشسته‌ام (تاتی تاکستان)
â-ništi-ø	نشسته است [مذکر] (تاتی تاکستان)
â-ništi-yâ	نشسته است [مؤنث] (تاتی تاکستان)
hâ-xote-yom	خوابیده‌ام (وارانی)
hâ-xotu-ø	خوابیده است [مذکر] (وارانی)
hâ-xote-se	خوابیده است [مؤنث] (وارانی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۳-۶  
 (سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی

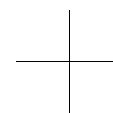
این مورد در گویش‌ها یا لهجه‌های تویسرکانی، همدانی، ورامینی، سیرجانی و فارسی تهران در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود. شایان ذکر است که جای تکیه در این گونه افعال معمولاً بر آخرین هجا قرار می‌گیرد:

bast-am	بسته‌ام (تویسرکانی)
baste-ø	بسته است (تویسرکانی)
basd-am	بسته‌ام (همدانی)
basde-ø	بسته است (همدانی)
goft-om	گفته‌ام (ورامینی)
gofte-ø	گفته است (ورامینی)
pušid-av	پوشیده‌ام (سیرجانی)
pušide-ø	پوشیده است (سیرجانی)
xord-am	خورده‌ام (فارسی تهران)
xorde-ø	خورده است (فارسی تهران)

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی ۳-۷  
 (سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی

این مورد در زابلی، در افعال لازم و متعدی، و در لری بهبهان، در افعال لازم دیده شده است:

xârda-o → xârdâ	خورده‌ام (زابلی)
xârda-ø	خورده است (زابلی)
šasc-yam	نشسته‌ام (لری بهبهان)



šase-ø نشسته است (لری بهبهان)  
(۵ شخص)  
۳-۸ شناسه + صفت مفعولی (مرخم)  
(سوم شخص مفرد)  
s/ø + صفت مفعولی  
این ساخت در فارسی اصفهان، لنجانی و نجف‌آبادی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

pušid-am پوشیده‌ام (فارسی اصفهان)  
pušide-y پوشیده‌ای (فارسی اصفهان)  
pušide-s/ø پوشیده است (فارسی اصفهان)  
šenoft-am شنیده‌ام (لنجانی)  
šenoft-y شنیده‌ای (لنجانی)  
šenoft-s/ø شنیده است (لنجانی)  
xord-am خورده‌ام (نجف‌آبادی)  
xorde-y خورده‌ای (نجف‌آبادی)  
xorde-s/ø خورده است (نجف‌آبادی)  
(۵ شخص)  
۳-۹ شناسه + صفت مفعولی  
(سوم شخص مفرد)  
ast + صفت مفعولی

این مورد در فارسی معیار و فارسی تاجیکی در افعال لازم و متعدی وجود دارد:

xorde-?am خورده‌ام (فارسی معیار)  
xorde-?ast خورده است (فارسی معیار)  
gufta-?am گفته‌ام (فارسی تاجیکی)  
gufta-?ast گفته است (فارسی تاجیکی)  
(۵ شخص)  
(گونه‌ای از «است») a + شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۰  
(سوم شخص مفرد)  
a + صفت مفعولی

این ساخت در گویش‌های کردی کلیائی، کردی کرمانشاه و لکی خواجهوندی کلاردشت در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xwârd-em-a خورده‌ام (کردی کلیائی)  
xwârde-ya خورده است (کردی کلیائی)  
wat-em-a گفته‌ام (کردی کرمانشاه)  
wati-ya گفته است (کردی کرمانشاه)  
vârd-em-a خورده‌ام (لکی خواجهوندی کلاردشت)  
vârde-ya خورده است (لکی خواجهوندی کلاردشت)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») a + شناسه + صفت مفعولی ۳-۱۱

(سوم شخص مفرد) a + صفت مفعولی

این مورد در تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

رفته‌ام  
 رفت‌ه است  
 šay-m-a  
 šay-a → ša

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی ۳-۱۲

(سوم شخص مفرد) (گونه‌ای از «است») a + صفت مفعولی

این مورد در کردی مه‌باد در افعال لازم دیده شده است:

افتاده‌ام  
 افتاده است  
 kawtū-m  
 kawtū-wa

(۵ شخص) (گونه‌هایی از «است») e/a/en + شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۳

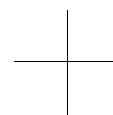
(سوم شخص مفرد) e/a/en + ∅ + ستاک گذشته

این ساخت را در گویش‌های کردی روستای حریر، بندرعباسی، لکی دره‌شهر و لکی کاکاوندی قزوین در افعال لازم و در گویش‌های لری بختیاری مسجدسلیمان و لری بویراحمد در افعال لازم و متعدی می‌توان مشاهده کرد:

دویده‌ام (کردی روستای حریر)  
 دویده است (کردی روستای حریر)  
 نشست‌ام (بندرعباسی)  
 نشست‌ه است (بندرعباسی)  
 آمده‌ام (لکی دره‌شهر)  
 آمده است (لکی دره‌شهر)  
 بوده‌ام (لکی کاکاوندی قزوین)  
 بوده است (لکی کاکاوندی قزوین)  
 گفته‌ام (لری بختیاری مسجدسلیمان)  
 گفته است (لری بختیاری مسجدسلیمان)  
 خوانده‌ام (لری بویراحمد)  
 خوانده است (لری بویراحمد)  
 dawi-m-a  
 dawi-∅-ya  
 nešt-am-(en)  
 nešt-∅-en  
 hât-əm-a  
 hât-∅-a  
 bi-m-a  
 bi-∅-ya  
 goδ-om-e  
 goδ-∅-e  
 xond-em-e  
 xond-∅-e

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») e + شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۴

(سوم شخص مفرد) ak + ∅ + ستاک گذشته



این مورد در گویش لری بختیاری اردل در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xard-om-e خورده‌ام  
xard-ak-ø خورده است  
(۵ شخص) شناسه + eg + ستاک گذشته + (پیشوند) ۳-۱۵

(سوم شخص مفرد) (گونه‌هایی از «است») eg+ø/a + ستاک گذشته + (پیشوند)

این مورد در گویش‌های بلوچی لاشار و کردی سنندج در افعال لازم دیده شده است:

nest-eg-om نشسته‌ام (بلوچی لاشار)

nest-eg-e نشسته است (بلوچی لاشار)

da-nīšt-eg-em نشسته‌ام (کردی سنندج)

da-nīšt-eg-a نشسته است (کردی سنندج)

(۵ شخص) شناسه + agi + ستاک گذشته ۳-۱۶

(سوم شخص مفرد) agi + ast + ستاک گذشته

این مورد در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xurd-agi-yam خورده‌ام

xurd-agi-yast خورده است

(۵ شخص) شناسه + agi + st + ستاک گذشته ۳-۱۷

(سوم شخص مفرد) agi + st + ø + ستاک گذشته

این مورد نیز در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی، در افعال لازم و متعدی، دیده شده است:

xurd-agi-st-am (شاید) خورده‌ام

xurd-agi-st-ø (شاید) خورده است

(۵ شخص) شناسه + est/ess + ستاک گذشته ۳-۱۸

(سوم شخص مفرد) est/ess + ø + ستاک گذشته

این ساخت در گویش‌های حاجی‌آبادی و لاری در افعال لازم دیده شده است:

nešt-est-om نشسته‌ام (حاجی‌آبادی)

nešt-est-ø نشسته است (حاجی‌آبادی)

xat-ess-em خوابیده‌ام (لاری)

xat-ess-ø خوابیده است (لاری)

(۵ شخص) شناسه + est + ستاک گذشته ۳-۱۹

(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی

این مورد در گویش لاری خنج در افعال لازم دیده شده است:

ond-est-om آمده‌ام

ondc- $\emptyset$  آمده است

(۵ شخص) شناسه +  $\emptyset$  + ستاک گذشته ۲۰-۳

(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  +  $\emptyset$  + ستاک گذشته

این مورد در گویش جیرفتی در افعال لازم دیده شده است:

nešt-o-hom نشست‌ام

nešt-o- $\emptyset$  نشست است

(۶ شخص) ضمیر + صفت مفعولی (مرخّم) + پیشوند ۲۱-۳

این مورد در گویش‌های تاتی تاکستان، افتری و سمنانی، در افعال متعدی، و در

کاخکی، در افعال لازم و متعدی، دیده شده است:

be-kerdi-m کاشته‌ام (تاتی تاکستان)

be-kerdi-š کاشته است (تاتی تاکستان)

be-vâta-m گفته‌ام (افتری)

be-vâta-(š) گفته است (افتری)

bu-kkuvâč-an زده‌ام (سمنانی)

bu-kkuvâčey-š زده است (سمنانی)

be-rafte-yom رفته‌ام (کاخکی)

be-rafte-yes رفته است (کاخکی)

(۶ شخص) صفت مفعولی + ضمیر + پیشوند ۲۲-۳

این مورد در ابیانه‌ای، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان

همدان، خوانساری و واران‌ی در افعال متعدی دیده شده است:

ba-m-votâ گفته‌ام (ابیانه‌ای)

ba-y-votâ گفته است (ابیانه‌ای)

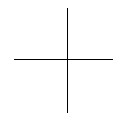
be-m-puš de پوشیده‌ام (گویش کلیمیان اصفهان)

be-š-puš de پوشیده است (گویش کلیمیان اصفهان)

be-m-ferâ te فروخته‌ام (گویش کلیمیان بروجرد)

be-š-ferâ te فروخته است (گویش کلیمیان بروجرد)

be-m-xorte خورده‌ام (گویش کلیمیان همدان)



be-š-xorte	خورده است (گویش کلیمیان همدان)
be-m-xortey	خورده‌ام (خوانساری)
be-ž-xortey	خورده است (خوانساری)
be-m-dido	دیده‌ام (وارانی)
be-š-dido	دیده است (وارانی)

(۶ شخص) صفت مفعولی + پیشوند + ضمیر ۳-۲۳

این مورد در گویش دری زردشتی یزد در افعال متعدی کاربرد دارد:

m-i-xarta	خورده‌ام
š-i-xarta	خورده است

(۶ شخص) صفت مفعولی + ضمیر ۳-۲۴

این ساخت در گویش‌های نائینی، لاری و لاری خنج در افعال متعدی دیده شده است:

mī-riye	خریده‌ام (نائینی)
šī-riye	خریده است (نائینی)
om-dede	دیده‌ام (لاری)
oš-dede	دیده است (لاری)
om-dede	دیده‌ام (لاری خنج)
oš-dede	دیده است (لاری خنج)

(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») + en + ستاک گذشته + ضمیر ۳-۲۵

این مورد در حاجی‌آبادی و بندرعباسی در افعال متعدی دیده شده است:

om-puš id-en	پوشیده‌ام (حاجی‌آبادی)
oš-puš id-en	پوشیده است (حاجی‌آبادی)
om-goft-en	گفته‌ام (بندرعباسی)
i-goft-en	گفته است (بندرعباسی)

(۶ شخص) (گونه‌هایی از «است») + a/cn + ضمیر + صفت مفعولی ۳-۲۶

این مورد در کردی مهاباد، تالشی طاسکوه ماسال و لری بهبهان در افعال متعدی دیده شده است:

hēnâw-m-a	آورده‌ام (کردی مهاباد)
hēnâw-î-ya	آورده است (کردی مهاباد)

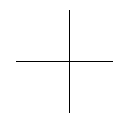
vinda-m-a دیده‌ام (تالشی طاسکوه ماسال)  
vinda-š-a دیده است (تالشی طاسکوه ماسال)  
esede-m-en گرفته‌ام (لری بهبهان)  
esede-š-en گرفته است (لری بهبهان)  
(۶ شخص) (گونه‌هایی از «است») a/ene + ضمیر + ستاک گذشته ۲۷-۳  
این ساخت در کردی روستای حریر، لکی کاکاوندی قزوین، لکی درّه‌شهر و جیرفتی،  
در افعال متعدی، دیده شده است:

xwârd-em-a خورده‌ام (کردی روستای حریر)  
xwârd-e-ya خورده است (کردی روستای حریر)  
wârd-em-a خورده‌ام (لکی کاکاوندی قزوین)  
wârd-e-ya خورده است (لکی کاکاوندی قزوین)  
dâšt-əm-a داشته‌ام (لکی درّه‌شهر)  
dâšt-i-ya داشته است (لکی درّه‌شهر)  
xowar(d)-m-ene خورده‌ام (جیرفتی)  
xowar(d)-š-ene خورده است (جیرفتی)  
(۶ شخص) ضمیر + eg + ستاک گذشته ۲۸-۳  
این مورد در بلوچی لاشار در افعال متعدی دیده شده است:

wart-eg-om خورده‌ام  
wart-eg-i خورده است  
(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») a + ضمیر + eg + ستاک گذشته ۲۹-۳  
این مورد در کردی سنندج در افعال متعدی دیده شده است:

xwârd-eg-m-a خورده‌ام  
xwârd-eg-y-a خورده است  
(۶ شخص) ضمیر + agi + ستاک گذشته ۳۰-۳  
این مورد در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است:

zad-agi-yam زده‌ام  
zad-agi-yaš زده است  
(۶ شخص) agi + ستاک گذشته + ضمیر آزاد ۳۱-۳  
این مورد نیز در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است:  
man zad-agi زده‌ام





vay zad-agi

زده است

#### ۴. ساخت‌های یکسان برای گذشته ساده و گذشته نقلی

در گویش‌های مورد بررسی ساخت‌های زیر برای گذشته ساده و گذشته نقلی، هردو، به کار می‌روند و دارای انواع زیرند:

- (۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۴-۱  
(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + ستاک گذشته  
این مورد در لهجه‌های بافتی و زرنندی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

kâšt-am	کاشتم، کاشته‌ام (بافتی)
kâšt- $\emptyset$	کاشت، کاشته است (بافتی)
xord-am	خوردم، خورده‌ام (زرنندی)
xord- $\emptyset$	خورد، خورده است (زرنندی)

- (۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۴-۲  
(سوم شخص مفرد)  $\emptyset$  + صفت مفعولی + پیشوند

این ساخت در گویش کلیمیان بروجرد و گویش کلیمیان همدان در افعال لازم و در بسیاری از گونه‌های مازندرانی، مثلاً گونه‌های رایج در تنکابن، آمل، ساری، کلاردشت، سوادکوه، و گونه‌های گیلکی رایج در حسن‌کیاده، رشت و دستک در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود:

be-šd-om	رفتم، رفته‌ام (گویش کلیمیان بروجرد)
be-šdo- $\emptyset$	رفت، رفته است (گویش کلیمیان بروجرد)
be-mund-ân	ماندم، مانده‌ام (گویش کلیمیان همدان)
be-mundu- $\emptyset$	ماند، مانده است (گویش کلیمیان همدان)
bo-xârd-om	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی تنکابن)
bo-xârd- $\emptyset$	خورد، خورده است (مازندرانی تنکابن)
ba-xærd-əmæ	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی آمل)
ba-xærd- $\emptyset$	خورد، خورده است (مازندرانی آمل)
ba-xord-eme	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی ساری)
ba-xord- $\emptyset$	خورد، خورده است (مازندرانی ساری)
ba-xord-eme	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی کلاردشت)
ba-xorde- $\emptyset$	خورد، خورده است (مازندرانی کلاردشت)

de-kāšt-emc	کاشتم، کاشته‌ام (مازندرانی سوادکوه)
de-kāšte-ø	کاشت، کاشته است (مازندرانی سوادکوه)
bu-xond-am	خواندم، خوانده‌ام (گیلکی حسن‌کیاده)
bu-xonda-ø	خواند، خوانده است (گیلکی حسن‌کیاده)
bu-xurd-əm	خوردم، خورده‌ام (گیلکی رشت)
bu-xurda-ø	خورد، خورده است (گیلکی رشت)
bu-xord-am	خوردم، خورده‌ام (گیلکی دستک)
bu-xorda-ø	خورد، خورده است (گیلکی دستک)
۴-۳	(۵ شخص) شناسه + (e)št + ستاک گذشته + پیشوند
	(سوم شخص مفرد) + صفت مفعولی + پیشوند
	این مورد در گویش افتری در افعال لازم دیده شده است:
be-nerā-št-i	نشستم، نشسته‌ام
be-nerā ?a-ø	نشست، نشسته است
۴-۴	(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») + e + شناسه + صفت مفعولی
	(سوم شخص مفرد) + صفت مفعولی
	این مورد در تالشی میرزاتق اردبیل در افعال لازم دیده شده است:
nešta-m-(e)	نشستم، نشسته‌ام
nešta-(ye)	نشست، نشسته است
۴-۵	(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») + e + ضمیر + صفت مفعولی
	در گویش مذکور، این مورد، در افعال متعدی دیده شده است:
hârda-m-c	خوردم، خورده‌ام
hârda-š-c	خورد، خورده است

### نتیجه‌گیری

از بررسی ساخت‌های گذشته ساده و گذشته نقلی در ۶۰ لهجه و گویش ایرانی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز، مانند فارسی میانه، برای ساخت گذشته نقلی از صورت‌هایی از فعل *estâdan* (ایستادن) استفاده می‌کنند، مانند *-st*، *-est*، *-ess*، *-st* و *-est*. ← شماره‌های ۱۷-۳ تا ۱۹-۳ و ۳-۴.

۲. در حالی که فارسی میانه تنها دو ساخت برای گذشته ساده و دو ساخت برای گذشته نقلی دارد لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز که مورد بررسی قرار گرفته‌اند ۱۱ ساخت برای گذشته ساده، ۳۱ ساخت برای گذشته نقلی و ۵ ساخت مشترک برای گذشته ساده و گذشته نقلی دارند. ← شماره‌های ۱-۱ تا ۴-۱، ۲-۱ تا ۱۱-۲، ۱-۳ تا ۳۱-۳ و ۴-۱ تا ۵-۴.

۳. بعضی از گویش‌ها، مانند فارسی میانه، تنها افعال متعدی را به صورت ارگتیو بیان می‌کنند، مانند گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان همدان، گویش کلیمیان بروجرد، خوانساری، دلجانی، ایبانه‌ای، تاتی تاکستان، سمنانی، واران، تالشی طاسکوه ماسال، جیرفتی، افتری، لکی در شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهان، کردی مهاباد، کردی روستای حریر، کردی سنندج، بلوچی لاشار، لاری، لاری خنج، بندرعباسی، حاجی‌آبادی، نائینی، دری زردشتی و بعضی از لهجه‌های فارسی تاجیکی، ولی بعضی مانند گویش کاخکی هم افعال لازم و هم افعال متعدی را با ساخت ارگتیو می‌سازند. ← شماره‌های ۲-۱۱ و ۳-۲۱.

۴. تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته ساده از پیشوند تصریفی استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۲-۱ تا ۲-۳ و ۲-۱۰ و ۲-۱۱.

۵. تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته نقلی از پیشوند تصریفی استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۳-۱ تا ۳-۵ و ۳-۲۱ تا ۳-۲۳.

۶. نشانه جنس تنها در گویش‌های دلجانی، ایبانه‌ای، تاتی تاکستان، سمنانی و واران دیده شده است. ← شماره‌های ۲-۲ و ۳-۵.

۷. شناسه سوم شخص مفرد در گذشته ساده همه لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی صفر است، به جز آنهایی که به جای شناسه از ضمیر استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۲-۱ تا ۲-۶.

۸. پسوند -ak، پس از ستاک گذشته، تنها در گویش‌های زابلی و لری بختیاری اردل و نیز در لهجه ورامینی دیده شده است که می‌توان آن را نوعی پسوند صفت مفعولی ساز دانست. ← شماره‌های ۲-۳، ۲-۴ و ۳-۱۴.

۹. پسوندهای -cg، -agi و -o که پس از ستاک گذشته می‌آیند نیز نوعی پسوند صفت مفعولی ساز هستند. ← شماره‌های ۳-۱۵ تا ۳-۱۷، ۳-۲۰ و ۳-۲۸ تا ۳-۳۱.

۱۰. تنها در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی کاربرد ضمیر آزاد به جای ضمیر پیوسته دیده شده است. ← شماره ۳۱-۳.

۱۱. پسوند -a، که گونه‌ای است از «است»، تنها در گذشته ساده تالشی طاسکوه ماسال، در افعال لازم و متعدی، دیده شده است. ← شماره‌های ۲-۶ و ۲-۷.

۱۲. در گذشته نقلی، تنها بعضی از گویش‌ها از گونه‌ای از «است» به صورت‌های -a، -c، -en، -ene، -s و -ast استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۳-۴، ۳-۸ تا ۳-۱۶، ۳-۲۵ تا ۳-۲۷ و ۳-۲۹.

۱۳. گروهی از لهجه‌ها و گویش‌ها در گذشته نقلی به جای صفت مفعولی از ستاک گذشته استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۳-۲، ۳-۶، ۳-۱۰، ۳-۱۳ تا ۳-۲۰، ۳-۲۵ و ۳-۲۷ تا ۳-۳۱.

۱۴. در گویش‌ها و لهجه‌هایی که برای گذشته ساده و گذشته نقلی ساخت‌های یکسان دارند، معادل این ساخت‌ها در ساخت‌های متفاوت گذشته ساده و گذشته نقلی نیز دیده می‌شود. مثلاً در نمونه‌های زیر:

۴-۱	معادل	۲-۵
۴-۲	معادل	۳-۲
۴-۳	معادل	۳-۱۹
۴-۴	معادل	۳-۱۱
۴-۵	معادل	۳-۲۶

۱۵. با توجه به معادله فوق در باره لهجه‌های بافتی و زرنندی که در گروه ۴-۱ قرار دارند می‌توان چنین اظهار داشت که این لهجه‌ها ساخت گذشته نقلی ندارند و به جای آن از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

۱۶. و بالأخره با توجه به معادله فوق درباره گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان و افتری (در مورد افعال لازم) و بسیاری از گویش‌های کرانه خزر و تالشی میرزائق اردبیل (در مورد افعال لازم و متعدی) می‌توان چنین ادعا کرد که این گویش‌ها گذشته نقلی دارند و آنچه ندارند گذشته ساده است که به جای آن از گذشته نقلی استفاده می‌کنند.

### منابع شواهد

- آذری، فروغ (۱۳۷۸-۷۹)، بررسی مقایسه‌ای لهجه نجف‌آبادی و اصفهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۳)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران: انتشارات معین.
- آهنی، محمدرضا (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش ایبانه از توابع نطنز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- ابوطالب، آذر (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش تاتی در ینگی امام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- اسفندیاری، مرتضی (۱۳۷۳-۷۴)، توصیف ساختمان فعل در گویش کردی کلیائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- اشرفی خوانساری، مرتضی (۱۳۸۱)، «ویژگی‌های افعال در گویش خوانساری»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغبیدی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۴۳-۵۹.
- امیریان بودالو، ربابه (۱۳۷۹-۸۰)، گویش تالشی میرزاتق استان اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- پناهی سمنانی، محمداحمد (۱۳۷۴)، آداب و رسوم مردم سمنان، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورعابدی نائینی، حسن (۱۳۷۲)، گویش نائینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- پورمند، خیرالله (۱۳۷۳-۷۴)، بررسی گویش لکی دره‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- پولادی درویش، میترا (۱۳۷۸-۷۹)، توصیف ساختمان فعل در گویش بهدینان مرکز شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- جعفری، محمدجواد (۱۳۷۳-۷۴)، بررسی گویش سوادکوهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- جلالی، واله (۱۳۷۹-۸۰)، مقایسه دو لهجه بافتی و زرنندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- جلالی امام، سیده لعیا (۱۳۷۹-۸۰)، بررسی گویش املشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- حکیمی، عبدالعظیم (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش شاهرودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

- خنجی، لطفعلی (۱۳۷۸)، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، انتشارات دانشنامه فارس.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶)، گویش بختیاری مسجدسلیمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- زمرّدیان، رضا (۱۳۶۸)، بررسی گویش قاین، انتشارات آستان قدس (معاونت فرهنگی).
- ساداتی، سید مجید (۱۳۷۴)، بررسی گویش دماوندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- سرمست دستک، داود (۱۳۷۱)، گویش گیلکی حسن‌کیاده (کیاشهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- سلطانی‌نژاد، فرشته (۱۳۷۹)، مقایسه گونه‌های زبانی بافتی و جیرفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- سمائی، سید مهدی (۱۳۷۰)، بررسی گویش تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- شکری، گیتی (۱۳۷۴)، گویش ساری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهیدی، اشرف‌السادات (۱۳۷۹-۸۰)، بررسی دوگونه زبانی حاجی‌آبادی و سیرجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- شیرزادی‌تبار، بهرام (۱۳۷۴-۷۵)، گویش کردی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- صفری، حسین (۱۳۷۳)، واژه‌نامه راجی، گویش دلجان، ناشر: مؤلف.
- طاهری، عباس (۱۳۷۰)، گویش تاتی تاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- عرب محمدحسینی، مریم (۱۳۷۹-۸۰)، لهجه ورامین (پیشوا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- عیدی، رضا (۱۳۷۴-۷۵)، بررسی گویش بختیاری گونه اردل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- فتحی، آذر (۱۳۷۱)، ساخت فعل در گویش بندرعباسی (لهجه محله پشت‌شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- فلاح، علی محمد (۱۳۸۰)، گروه‌های نحوی در گویش آملی (مازندرانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- کاکاوند، جهانگیر (۱۳۷۰-۷۱)، بررسی گویش لکی کاکاوندی قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- کنخائی، یحیی (۱۳۷۴)، بررسی گویش سکوه‌ای شیب‌آبی زابلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی

- همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲)، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۶۷ الف)، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۷۰.
- (۱۳۶۷ ب)، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷.
- (۱۳۷۰)، فارسی اصفهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۷۱)، «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۵، ش ۴، ص ۹۳۴-۹۷۶.
- (۱۳۷۳)، گویش کلیمیان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۷۴ الف)، «مقایسه‌ای میان گویش‌های کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰.
- (۱۳۷۴ ب)، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- (۱۳۷۵)، «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی»، فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، سال ۹، ش ۱، ص ۲۷-۳۵.
- (۱۳۷۶ الف)، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۷۶ ب)، «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۰، ش ۱ و ۲، ص ۵۵-۶۸.
- محمدی اشیانی، فضل‌الله (۱۳۷۰)، مقایسه گویش لنجان اصفهان با فارسی رسمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- مرتضوی، سید محمدباقر (۱۳۷۴)، بررسی و تحلیل واج‌شناختی و دستوری گویش بهبهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- مقیمی، افضل (۱۳۷۳)، بررسی گویش بویراحمد، انتشارات نوید شیراز.
- مولوی کاخکی، حسن (۱۳۶۷-۶۸)، بررسی ساختمان دستوری گویش مردم کاخک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- میرچراغی، سید فرهود (۱۳۶۹)، ساختمان دستوری گویش لکی یا خواجهوندی کلاردشت، انتشارات پرهام نشر.
- میرزاییگی، جهان‌شاه (۱۳۶۸)، ساختمان فعل در گویش کردی روستای حریر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- نژادصاحبی، علی‌رضا (۱۳۷۳)، بررسی گویش سبزواری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۷۳)، بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).  
ولائی، هما (۱۳۷۸-۷۹)، مقایسه دو لهجه همدانی و تویسرکانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی  
همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).  
همایون، همدخت (۱۳۷۱)، گویش افتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
یوسفیان، پاکزاد (۱۳۷۱)، گویش بلوچی لاشاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه  
تهران (چاپ نشده).

SAHIM, Haideh (1994), "The Dialect of the Jews of Hamedan", in *Irano-Judaica III*, pp. 171-181.  
YARSHATER, Ehsan (1989), "The Dialect of Borujerd Jews", in *AIO*, Edena Curaverunt L. De Meyer et E.  
Haerincq, II, pp. 1030-1045.

□

Archive of SID